

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۸

## نگاهی به اشعار کار کشاورزی و دامداری لرستان (ص ۲۱-۳۹)

آرش امرایی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، علی بازوند<sup>۲</sup>

: 20.1001.1.2345217.1401.12.4.1.7

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

اساس زندگی در جوامع روستایی و عشایری، کار است. هر فرد روستایی یا عشایری از صبح زود کارش را آغاز می‌کند و تا غروب آن را ادامه می‌دهد؛ از این رو اغلب در چنین جوامعی استراحت و تعطیلات چندان وجهی ندارد. عجین‌بودن کار و تلاش با زندگی این مردم، دلیلی روشن و قانع‌کننده است که این مردم در هنگام کار طولانی و طاقت‌فرسای خود، اشعار و ابیاتی را زمزمه کنند تا ضمن لذت بردن از کار، دیگران را به انجام کار تحریض کنند. هرچند این اشعار و سرودها در همه جنبه‌های زندگی این مردم حضوری فعال دارند اما اشعار و سروده‌های مرتبط با امور کشاورزی و دامداری رنگ دیگری دارند. از آنجا که از گذشته‌ها شغل غالب مردم لرستان کشاورزی و دامداری بوده‌است، برای هر بخش از کارهای مرتبط، اشعاری را زمزمه می‌کرده‌اند. مضمون اغلب این اشعار طلب فزونی محصول از خداوند، شکرگزاری به خاطر محصول و افزودن روحیه در انجام کار است. در این مقاله، پس از بیان مطالبی در مورد لر و لرستان و چستی و چرابی کارآواها، به تبیین مضامین و موضوعات و معرفی بخش‌های مختلف این کارآواها و ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته شده است.

**کلمات کلیدی:** کارآوا، شعر، لرستان، کشاورزی و دامداری.

Email: amiri879@gmail.com

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بحرالعلوم شهرکرد

Email: bazvanda@yahoo.com



## ۱. مقدمه

در کنار ادبیات رسمی، همواره ادبیات دیگری به نام ادبیات بومی وجود داشته‌است؛ این ادبیات هرچند در هیچ زمینه‌ای قابل مقایسه با ادبیات رسمی نیست و توانایی و غنای ادبیات رسمی را ندارد اما زمینه‌ها، کارکردها و مضامین جالب توجهی دارد که شایسته تحقیق و بررسی است؛ هرچند در کشور ما به دلایل مختلف، توجه جدی به ادبیات عامه نشده‌است و این گنج پربرها همواره در پردهٔ خمول و گمنامی پنهان مانده‌است.

ادبیات بومی را می‌توان یکی از شاخه‌های ادبیات رسمی یک کشور دانست که گوینده و سرایندهٔ آن، فرهنگ و آداب و رسوم محلی خود را در قالب زبان یا گویش محلی خویش بیان می‌کند و همراه با آن، اوضاع تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی جامعه را نمایان می‌سازد. شعر و ادبیات بومی، مجموعه‌ای ارزشمند است که هر بخش از آن، نمایانگر جنبه‌ای از جنبه‌های زندگی مردم آن نواحی است. با استفاده از ادبیات بومی، می‌توان پسندها، ناپسندها، آمال و آرزوها، توانایی‌ها، شادی‌ها و اندوه‌های آن مردم را دریافت. به همین خاطر تسلط بر ادبیات بومی یک منطقه، می‌تواند شخصیت آن جامعه را نیز برای ما آشکار سازد. به مجموعه‌ای از اشعار، داستان‌ها، متل‌ها و لالایی‌ها که در منطقه‌ای خاص و به زبانی خاص سروده می‌شوند، ادبیات محلی گفته می‌شود. ادبیات محلی ویژگی‌هایی دارد که از جملهٔ این ویژگی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، گوینده و سرایندهٔ این ادبیات روشن نیست و به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌است، تاریخ و زبان یا گویش یکسانی دارد، در یک محدوده جغرافیایی استفاده می‌شود، آیین‌ها و مراسم آن یکسان است. اگر بپذیریم که فرهنگ عامه شامل سنت‌های مادی (اشیاء، بناها و مجموعه آثار)، سنت‌های رفتاری (رسوم و عادات مردم) و سنت‌های گفتاری (اشعار، ترانه‌ها، متل‌ها و غیره) می‌شود، در این صورت نقش موسیقی و ترانه‌ها و آواهای کار و سنت‌های شفاهی در نظام هویتی و فرهنگی جامعه، اهمیت بسیار زیادی می‌یابد؛ زیرا این جلوه‌های ادبی در پسندها و نیازهای جامعه ریشه دارند (نک. نظری مقدم، ۱۴۰۰: ۲۹۸).

در حقیقت آثار مکتوب و شفاهی هر ملت، حافظهٔ تاریخی آن ملت را بازتاب می‌دهند؛ بر اساس این می‌توان گفت نشانه‌های حافظهٔ تاریخی مردم ایران، در همین بخش مکتوب از فرهنگ قابل دریافت است (نک. اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۲). «دامنهٔ شمول این آثار نیز تابع شمول زبانی است. به بیان دیگر ادبیات هر جامعه، دربرگیرندهٔ مسائل مختلف حوزهٔ نفوذ آن زبان است؛ گاه این حوزهٔ نفوذ به یک قوم محدود می‌شود. از این رو این مردم با بهره بردن از کلمات و عبارات خود، نیت، اهداف و خواست‌های خود را در ادبیات خود منعکس می‌نمایند. باید در نظر داشت که جوامع محلی ضمن پیوند با هویت و ادبیات ملی خود، ادبیات خاص خود را نیز دارند. این ادبیات (ادبیات محلی) در

حقیقت، نتیجه تجربیات و ارتباطات بین مردم آن قوم باهم، با اقوام و مناطق دیگر، با طبیعت و محیط زندگی آن‌هاست. با بررسی این ادبیات، می‌توان دریافت این مردم از ابتدای حیات خود تا امروز چه چالش‌هایی را از سر گذرانده‌اند و در هر برهه‌ای از تاریخ خود چه جایگاهی داشته‌اند. در حقیقت با کمک ادبیات هر قوم، می‌توان مسیر حرکتی آن مردم را در طول حیاتشان دریافت. همچنین بررسی و شناخت ادبیات محلی می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آن مردم را برای ما نمایان سازد و این گونه به ساختار فرهنگی آنان نیز دست‌یافت (امرایی و بازوند، ۱۳۹۲: ۵۲). یکی از انواع ادبیات محلی، کارآواها هستند. مردم هر منطقه‌ای با در نظر داشتن اوضاع خاص اجتماعی و جغرافیایی خود، اشعاری را در هنگام کار و تلاش روزانه زمزمه می‌کنند.

تاریخچه کارآواها به عنوان بخشی مهم از ادبیات بومی، به روشنی مشخص نیست. دانسته نیست که برای اولین بار کارآواها را چه کسی و در چه وضعیتی سروده‌است. البته این ویژگی، یکی از ویژگی‌های همه ادبیات‌های محلی است؛ از این رو نمی‌توان در مورد زمان و کیفیت پیدایش آن سخن گفت. البته یکی از مهم‌ترین دلایل این نکته، غیرمکتوب بودن (شفاهی بودن) ادبیات محلی و به تبع آن، کارآواها است. هرچه هست و از هر زمانی که این نوع از ادبیات محلی آغاز شده‌است، می‌توان به روشنی گفت تاریخ کارآواها هم‌تراز با ادبیات محلی است و از آغازین روزهای وجود ادبیات محلی، کارآواها به عنوان بخشی از این ادبیات حضور داشته‌اند و به عنوان نوعی از انواع ادبیات محلی نقشی پررنگ ایفا کرده‌اند.

در مورد مضمون کارآواها نمی‌توان برای همه ادبیات‌های محلی به صورت یکسان سخن گفت؛ چراکه محتوای ادبیات محلی، تابع شرایطی چون اوضاع جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی آن منطقه است، هرچند اوضاع جغرافیایی و اقلیمی هر منطقه نقشی پررنگ‌تر از دیگر عوامل دارد؛ به بیان دیگر، با توجه به اوضاع محلی در منطقه‌ای، اشعار و ادبیاتی مرتبط با برنج‌کوبی رواج دارد، در منطقه دیگر به دلیل مسائل جغرافیایی و کاشته‌نشدن برنج، چنین اشعاری حضور ندارد. با توجه به آنچه گفته شد، هر بخش از ایران، ادبیات محلی و همچنین کارآواهای خاص خود را دارد که ممکن است در مناطق دیگر اصلاً وجود نداشته باشد.

با توجه به گسترش زندگی شهرنشینی و فاصله مردم از زندگی سنتی، بسیاری از اشعار، آداب و رسوم و فرهنگ عامه در حال فراموشی است؛ به همین خاطر، جمع‌آوری، ثبت و ضبط، بررسی و تحلیل این اشعار ضرورتی انکارناپذیر است. در این مقاله، ضمن جمع‌آوری بخشی اندک از اشعار کار لرستان، برخی ویژگی‌های و کارکردهای این اشعار نیز تبیین شده‌است.

## ۲. پیشینه پژوهش

امروزه ادبیات عامه، یکی از حوزه‌هایی است که مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است و تحقیقات شایسته‌ای در این مورد انجام شده است. کارآواها به عنوان یکی از بخش‌های ادبیات عامه، از جانب محققان مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله آثاری که در مورد کارآواها منتشر شده است می‌توان به این آثار اشاره کرد:

- کتاب «ترانه‌های ملی ایران» نوشته احمد پناهی سمنانی است که در آن بخشی به ترانه‌های محلی و کارآواها اختصاص داده شده است.

- سیدبرزو جمالیان، محمدحسین کرمی و جلیل نظری در سال ۱۳۹۴ مقاله‌ای را با عنوان «ترانه‌های کار در شهرستان کهگیلویه» در مجله فرهنگ و ادبیات عامه منتشر کرده‌اند که همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، ترانه‌های کار را در شهرستان کهگیلویه بررسی و معرفی کرده‌اند.

- سیدمحمدباقر کمال‌الدینی و آناهیتا معاونی در مقاله‌ای با عنوان «اشعار کار در کهگیلویه و بویراحمد» که در سال ۱۳۹۴ در فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه منتشر شده است، بخش مهمی از اشعار کار این نواحی را معرفی و بررسی کرده‌اند.

- مرتضی فرهادی در مقاله‌ای با عنوان «ترانه‌های کار، کارآوای فراموش‌شده استادکاران و کارورزان» (۱۳۷۹) فصلنامه علوم اجتماعی) تحقیقات شایسته‌ای در این حوزه انجام داده است.

- آقای صادق همایونی نیز در سال ۱۳۸۶ در مقاله‌ای با عنوان «کارنواها» که در مجله فرهنگ مردم ایران منتشر شده است، مجموعه‌ای از ترانه‌های کار را جمع‌آوری کرده است.

- یکی دیگر از مقاله‌هایی که به این موضوع پرداخته است، مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های آواها و ترانه‌های کار کاسبان محلی در بازارهای سنتی رشت» است که جواد نظری مقدم نوشته است و در فروردین ۱۴۰۰ در مجله فرهنگ و ادبیات عامه منتشر شده است.

- مقاله دیگری که بخشی از ویژگی‌های کارآواها را مورد بررسی قرار داده است، مقاله «وزن اشعار کار» است که تکتم بهرامی و همکاران نوشته‌اند و در خرداد ۱۴۰۰ در دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه منتشر شده است.

آنچه موجب تمایز مقاله پیش رو با آثار منتشر شده در حوزه کارآواها شده، این است که تاکنون مقاله یا کتابی در مورد کارآواهای مردم لرستان منتشر نشده است؛ به همین خاطر این مقاله در نوع خود اولین تحقیق در این خصوص است.

### ۳. لرستان و قوم لر

در دوره تاریخی، لرستان جزوی از زاگرتی (زاگرس) شمرده می‌شد. این مناطق، بخش گسترده‌ای از سرزمین ایران را دربرمی‌گرفت و سکونتگاه مردم لر از شمال غرب تا جنوب شرق ایران را شامل می‌شد. از قرن چهارم و پنجم هجری، به این سرزمین و مردم ساکن در آن «لور» و در نهایت به اختصار «لر» گفته می‌شد. در زمان مغول با عناوین «لر کوچک» و «لر بزرگ» معروف بود. از زمان صفویان به بعد مناطق محل سکونت لر بزرگ به بختیاری و کهگیلویه و مناطق لر کوچک نیز به لرستان و لر فیلی معروف شد (نک. پشت‌دار، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

آنچه در این مقاله با عنوان مردم لر و لرستان یاد می‌شود، منظور استان لرستان کنونی و مردمان ساکن در آن است. سکونتگاه مردم لر از جنوب به مناطقی از خوزستان، از غرب به مناطقی از استان ایلام و کرمانشاه، از شرق به استان اصفهان و استان مرکزی محدود می‌شود. با وجود مرزهای تقسیمات کشوری، ساکنان بسیاری از مناطق شمالی خوزستان، شرق ایلام و جنوب کرمانشاه، لر هستند و گویش، فرهنگ، عادات و رسوم آن‌ها با مردم لرستان یکسان است. از این رو در این مقاله، این مناطق نیز مورد نظر است.

لرها از نظر نژادی، تیره‌ای از اقوام ایرانی هستند که پیش‌تر در مورد محل سکونت آن‌ها سخن به میان آمد. لرها به طور کلی به چهار دسته لره‌های لرستان کنونی، لره‌های بختیاری، لره‌های ممسنی و لره‌های کهگیلویه تقسیم می‌شوند. این چهار گروه، اشتراکات زیادی دارند. از آن جمله گویش آن هاست که بسیار به هم شبیه است.

گویش مردم لرستان، همان‌گونه که از اسم آن‌ها برمی‌آید، لری است. گویش لری یکی از گویش‌هایی است که به زبان فارسی بسیار نزدیک است. گویش لری را می‌توان به دو شعبه شرقی و غربی تقسیم کرد. مرز این دو، رودخانه سزار است که لرستان و بختیاری را از هم جدا می‌کند. گویش لری مردم لرستان در محدوده شعبه غربی قرار دارند. این گویش از جمله زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که به فارسی بسیار نزدیک است. گفتنی است که زبان فارسی و گویش لری، هر دو ادامه زبان فارسی میانه هستند و نزدیک به هزار سال پیش، گویش لری از زبان فارسی جدا شده است (نک. امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۵۳).

### ۴. چیستی و چرایی کارآوا

بسیاری از مشاغل بومی و سنتی در گستره سرزمینی ایران، از گذشته تاکنون، با نواها و آواهایی انجام می‌شدند؛ یعنی کسانی که مشغول انجام یکی از این کارها بودند، با اهدافی که بعد در مورد آن‌ها سخن به میان خواهد آمد، اشعاری آهنگین را زمزمه می‌کردند که کارآوا نام دارد. یکی از انواع ادبیات محلی

کارآواها هستند. مردم هر منطقه‌ای با در نظر داشتن اوضاع خاص اجتماعی و جغرافیایی خود، اشعاری را در هنگام کار روزانه زمزمه می‌کنند؛ این آواها و نغمه‌ها را کارآوا می‌گویند؛ به زبان دیگر، کارآواها اشعاری هستند که در هنگام انجام برخی کارها، توسط افرادی که مشغول انجام آن کارها هستند بر زبان جاری می‌شوند.

از آنجا که سرایندگان بومی سروده‌ها، اغلب افراد عادی با کم‌ترین سواد هستند و حتی گاه سواد هم ندارند، لذا سرایندگان کارآواها همانند دیگر بومی سروده‌ها چندان اطلاعی از اصول و قواعد شعری ندارند و در بسیاری از موارد هم نمی‌توان آن‌ها را در قالب این اصول گنجانند. این اشعار با زبانی ساده و به دور از هرگونه ابهام و پیچیدگی، خودآگاه و ناخودآگاه، ضمن بیان روابط عاطفی این افراد با کار و وسایل کار خود، بیانگر اوضاع سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی منطقه خود هستند.

نکته‌ای که باید در مورد وزن این اشعار ذکر کرد، این است که وزن این نوع از اشعار و به طور کلی، وزن شعر شفاهی و عامیانه، با اشعار رسمی تفاوت دارد و نمی‌توان وزن این اشعار را منطبق بر اصول عروضی دانست. محققان ادبیات فارسی و ادبیات عامیانه در مورد وزن شعر عامیانه به توافق نرسیده‌اند و عده‌ای وزن شعر عامیانه را عروضی و منطبق بر افاعیل عروضی می‌دانند (نک. وحیدیان کامیار، ۱۳۵۷: ۶۴) و عده‌ای دیگر، وزن این نوع شعر را مبتنی بر تعداد هجاها به همراه تکیه وزنی کلمه‌ها می‌دانند. به نظر می‌رسد گروه دوم راه درست‌تری را پی گرفته‌اند. ناهماهنگی در تعداد و نوع هجاها و همچنین تعدد و تنوع وزنی در یک شعر شفاهی، دلیلی متقن بر غیر عروضی بودن وزن شعر عامیانه و به تبع آن اشعار کار است (نک. بهرامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۰).

مهم‌ترین ویژگی‌های کارآواها عبارتند از: الف) سراینده آن‌ها همانند دیگر انواع شعر بومی، به روشنی مشخص نیست؛ ب) شفاهی هستند و از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده‌اند؛ ج) در مناطق مختلف، نمونه‌های متفاوتی از آن‌ها استفاده می‌شود.

هرچند نمی‌توان به روشنی سابقه و تاریخ حضور کارآواها در بین مردم را آشکار کرد، اما بی‌گمان این آواها و اشعار، گذشته‌ای بسیار طولانی در بین مردم مناطق مختلف ایران دارند. از جمله مهم‌ترین دلایل استفاده از کارآواها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آسان کردن کارهای دشوار و پرزحمت؛
- هماهنگی بین افرادی که در حال انجام کاری یکسان هستند؛
- لذت‌بردن از انجام کار و افزایش روحیه افرادی که در حال انجام کار هستند؛
- ترغیب و تشویق افراد برای انجام کار و تحریر آن‌ها برای به پایان رساندن کار؛
- تنوع‌بخشیدن به انجام کارهای تکراری که پیوسته انجام می‌دادند؛

- لذت‌بخش کردن کار و در نتیجه، بی‌توجهی به جنبهٔ دشواری کار و خستگی جسمانی؛
- ایجاد ضرب‌آهنگ در برخی کارها که نیازمند هماهنگی با هم است؛
- بیان ارتباط عاطفی بین وسایل کار، چهارپایان و آن کس که در حال انجام کار است.

#### ۴-۱. ویژگی‌های کارآوا

اشعار کار یا همان کارآوا، نوعی از اشعار عامیانه هستند که در جوامع مختلف جایگاهی ویژه دارند. ویژگی‌ها و مضامین این نوع از اشعار عامیانه، وابسته به اوضاع اجتماعی و محیطی است که این اشعار استفاده می‌شوند. مضامین، تصاویر و آرایه‌های ادبی، قالب و چگونگی خواندن این اشعار از جمله ویژگی‌هایی است که در مناطق مختلف با هم تفاوت دارند؛ به همین خاطر نمی‌توان اشعار کار در مناطق مختلف ایران را مانند هم دانست و تمام ویژگی‌های آن‌ها را مانند هم برشمرد. اما در همهٔ انواع این اشعار، برخی ویژگی‌ها وجود دارد که کمابیش یکسان هستند. در این بخش به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

- همان گونه که از عنوان آن‌ها برمی‌آید، اشعار کار همراه با کار فیزیکی و همزمان با آن خوانده می‌شوند؛
- سرایندهٔ این اشعار همانند دیگر انواع ادبیات عامیانه، به روشنی مشخص نیست؛
- این اشعار غالباً گروهی خوانده می‌شوند و گاه یک نفر، بخش عمده‌ای از این اشعار را می‌خواند و دیگران تنها بخش‌های از آن را تکرار می‌کنند؛
- از مهم‌ترین و عمومی‌ترین مضامین این اشعار، سپاس از خداوند و دعا برای افزایش نتیجه و محصول کار، تبیین توانایی و مهارت افراد در انجام کار و غیره است.

#### ۵. کارآواها در لرستان

در جامعهٔ عشایری لرستان همانند دیگر جوامع عشایری، زندگی مبتنی بر کار و تلاش در اغلب ساعات شبانه‌روز است و همزمان با انجام این کارها اشعاری زمزمه می‌شود؛ به عنوان مثال می‌توان به اشعاری که در هنگام شیردوشی، مشک‌زنی، درو، خرمن‌کوبی، برنج‌کوبی، شخم‌زدن زمین، پشم‌چینی و دیگر کارهایی که در جوامع عشایری متداول است اشاره کرد. از آنجا که سروده‌های محلی و به‌ویژه کارآواها وابسته به عواملی چند از جمله محیط طبیعی، زبان، فرهنگ، پسندها و ناپسندهای هر جامعه هستند؛ لذا در هر منطقه ویژگی‌های خاص خود را

دارند. مثلاً در منطقه‌ای که کاشت برنج متداول است؛ اشعاری متناسب با کاشت و داشت و برداشت این محصول سروده می‌شود. این موضوع در مورد همه شغل‌ها و مناطق و زبان‌ها صادق است. بر اساس این، در هر گوشه از لرستان، اشعاری استفاده می‌شود که ممکن است در مناطق دیگر متداول نباشد. به همین خاطر در این مقاله می‌کوشیم در مورد اشعاری سخن بگوییم که در بیشتر مناطق این استان استفاده می‌شود. نکته قابل توجه این است که در اغلب مناطق این استان، کشاورزی و دامپروری متداول است، به همین خاطر اشعاری مرتبط با این کارها انتخاب کرده، در مورد آن‌ها سخن خواهیم گفت.

### ۱-۵. اشعار مربوط به کشاورزی

تقریباً در همه مناطق لرستان، بخشی از کار عشایر، کشاورزی است. چون در گذشته همه کارهای کشاورزی با استفاده از نیروی انسانی و بدون استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی انجام می‌شد، برای همه بخش‌های امور کشاورزی اشعاری وجود دارد؛ به بیان دیگر، کاشت، داشت و برداشت بدون کمک ماشین‌آلات و تنها با استفاده از نیروی بدنی و کمک از چارپایان انجام شده است. به همین خاطر، مدت زمان انجام این کارها طولانی و دشوار بوده است. مردم این منطقه همزمان با انجام این کارها، اشعاری را زمزمه می‌کردند و گاه همراه و همزمان با هم و با صدای بلند می‌خواندند. بی‌گمان فراهم آوردن همه این اشعار در قالب این مقاله نمی‌گنجد، به همین خاطر جهت آشنایی خوانندگان تنها نمونه‌هایی از هر نوع ذکر می‌شود.

### ۱-۱-۵. شخم و کاشت بذر

به دلیل اعتقادات عمیق مردم، پیوسته و در همه امور، یاد و نام خدا سرلوحه کارهاست. این موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بحث رزق و روزی و به دست آوردن قوت خانواده در میان باشد. این مردم به امید داشتن کشتی پر بار، همه کارها را با یاد خدا آغاز می‌کنند و پیوسته از خداوند که روزی‌دهنده همه است می‌خواهند ضمن پر بار کردن کشت و کار دبگران، کشت و کار آن‌ها نیز پر نعمت و پر بار باشد. به همین خاطر، می‌بینیم آغاز کار را با نام و یاد خداوند آغاز می‌کنند.

اول بِسْمِلا کار ایْمَه شُومَه      بعدش و یاواش آیشْتِنِه تومَه

aval besmela kār ima šoma // badeš va yavaš āyštene toma

برگردان: اولین کار ما شخم کردن زمین است و سپس آرام آرام کاشتن بذر را شروع خواهیم کرد.

دوَنَه سَر سو چِمَه گایاری      زمین لا و لا و گاول ناکاری

doena sare so čema gowayâri // zemin lâwa lâ gâl nākâri



برگردان: دیروز صبح زود به شخم رفتیم؛ در حالی که زمین ناهموار بود و گاوهایم هم کاری نبودند.

از آنجا که همواره آغاز کار کشاورزی با شخم زدن زمین آغاز می‌شود، همواره اشعار این بخش از کشاورزی، همراه با نام و یاد خداوند و امید به جمع آوری محصول فراوان است. کشاورز با بیان دشواری‌های کار و سختی‌هایی که در انجام کارهای کشاورزی متحمل می‌شود، از خداوند می‌خواهد او را در انجام امور یاری کند و نتایج زحماتش پربار باشد. در حقیقت، کشاورز به نوعی با بیان این سختی‌ها، خود را در جمع آوری محصول خوب محق می‌داند.

یکی دیگر از رسوم پسندیده در بین مردم لرستان، همکاری در انجام کارهای دشوار است. یکی از کارهایی که غالباً مردان چند خانواده با هم جمع می‌شوند و آن را انجام می‌دهند، برخی کارهای کشاورزی است. این مردان به نوبت کارهای هم را انجام می‌دهند؛ در حقیقت نوعی تعاون و همکاری در انجام کار است. نمود این رسم در این اشعار نیز دیده می‌شود:

دَس به و دَسَم یه دَس دَنگ ناره      یه دَس تونایی روزِ جنگ ناره  
دَس به و دَسَم باریان بار بَکیم      اسبان زین کو تا قی قطار بَکیم

das be ve dasem ye das dang nāra// ye das tonāei roze jang nāra  
das be ve dasem bāryan bār bakim //asbiān zin ko tā qey qatār bakim

برگردان: دستت را به دستم بده (باهم کارها را انجام دهیم) زیرا یک دست صدا ندارد (قدرت و توانایی ندارد) یک دست توانایی جنگیدن در هنگام جنگ را ندارد.

دستت را به دستم بده تا با کمک و همکاری هم بارها را بار کنیم (کارها را انجام دهیم) پس از انجام کار، اسب‌ها را زین کنیم و به اسب‌سواری بپردازیم (پس از انجام کار شادمان باشیم و لذت ببریم).

## ۵-۱-۲. درو

از گذشته‌های دور، کشت و کار گندم، جو، و دیگر غلات و حبوبات، به صورت دستی و با فراهم آمدن گروهی جمع آوری می‌شد. همواره درو یکی از کارهای دشوار کشاورزی بوده است که تنها با همکاری گروهی از مردم میسر بوده است. به همین خاطر، جوامع عشایری با حفظ روحیه همکاری، کارهای دشوار را با کمک به هم انجام می‌دادند.

یکی از کارهای پسندیده در جوامع عشایری، همکاری در انجام اموری است که افراد به تنهایی توان انجام آن را ندارند. در چنین وضعیتی، گروهی از افراد جمع می‌شوند و به نوبت با همکاری و کمک به یکدیگر کارهایشان را انجام می‌دهند. این شیوه کار و همکاری در کارآواها نیز نمود پیدا کرده است.

إلا زَفِیْقُل ریشِ بِنِمِه گِرو      تا بانْ گِردُم بَچیمِ درو

e lā refiqal riš benme gero // tā bāna gardem bečima dero

برگردان: پیش رفقا ریشم را گرو گذاشتم (قول دادم با آن‌ها همکاری کنم) تا در خرمن کوبی کمکم کنند.

ای درونی داسی پولایه نیَمرو بَنی سایه کولایه  
ei derovani dāsei polāya // nimaro banei sādeu kolāya

برگردان: این مرد دروگر که داسش از پولاد درست شده است (تمجید از قدرت و توانایی در درو) در هنگام ظهر در سایه کولا (محلی که کشاورزان برای اقامت موقت در کنار مزرعه خود، درست می‌کنند) استراحت می‌کند.

اری بومی کور لک امیر اری هر بافت و یه هنگل گیر  
ari bovami kore lak amir // ari har bāfat va ye hangel gir

برگردان: درود بر تو و آفرین به تو ای مرد لک امیر (نام طایفه‌ای است)، تویی که با هر گردش، داست یک بافه (حجم زیادی از محصول درو شده که در کنار هم جمع می‌کنند) درو می‌کند.

نکته‌ای که ضروری است در تعبیر «بوم» در این بیت توضیح داده شود این است که در جوامع لر زبان، گاه برای تعریف و تمجید کسی و یا تحریک و تحریض وی برای انجام کار به بهترین شکل ممکن، وی را «بوم» (پدرم) خطاب می‌کنند.

با وجود تلاشگری جامعه کشاورزی، گاهی انجام برخی کارها، به‌ویژه برای جوان‌ترهایی که هنوز با این کارها مانوس نشده‌اند و از آن‌ها لذت نمی‌برند، دشوار است؛ در نتیجه زبان به گلایه می‌گشایند و به دشواری کار و نداشتن وسایل کار اعتراض می‌کنند؛ مثال:

ز دس داس مورو گنیم تر جایی میرم که قلا نزنه پر  
ze dase dāse mover o ganeme tar // jāei mirem ke qelā nazena par

برگردان: از دست داس کندی که نمی‌برد و خوشه گندمی که هنوز خشک نشده است، (برای دوری از این دو) می‌خواهم به جایی بروم که کلاغ هم پر نمی‌زند (هیچ موجودی وجود ندارد).

علاوه بر بسیاری اشعار لری و لکی که در هنگام درو خوانده می‌شود، دروگران در اغلب مناطق لرستان، بیت زیر را نیز بارها تکرار می‌کنند. این بیت و دیگر ابیات همسان با این بیت، نشان‌دهنده

ایمان و اعتقاد این مردم است که همواره در دشواری‌ها و سختی‌های زندگی، از ائمه معصومین و بزرگان دین یاری می‌طلبند:

اگر خسته جانی بگو یا علی      اگر ناتوانی بگو یا علی

یکی از کارهای دشوار و پرزحمت کشاورزی، درو است. کشاورزان، تمام سطح زمین کاشته شده را قدم به قدم پیش رفته، با داس محصول را درو می‌کنند. در اشعاری که هنگام درو بر زبان دروگران جاری می‌شود، برخی مضامین، حضوری پررنگ و فعال دارند. از جمله این مضامین، توصیف داس و بیان قدرت آن است. در این اشعار، کشاورزان، مردانی تنومند و خستگی‌ناپذیر دانسته می‌شوند که با داس‌های پولادین به جنگ خوشه‌های گندم و جو می‌روند و در این جنگ همواره پیروز می‌شوند و تا آخرین ساقه محصول را نبرند و بر زمین نیندازند، کار را متوقف نمی‌کنند. این‌گونه مضامین، به تقویت روحیه کشاورزان می‌انجامد؛ به گونه‌ای که با تکرار این اشعار، چنان در بازوان خود احساس نیرو و قدرت می‌کنند که مزرعه‌ای با وسعت فراوان هم یارای مقاومت در برابر آنان را ندارد. یکی دیگر از موضوعات و مضامینی که در اشعار مربوط به درو دیده می‌شود، تحسین دروگران است. دروگران با تکرار اشعاری که حاوی مضامین تحسین‌کننده است، گویی هرکدام به نوعی، یکی دیگر از افراد حاضر را مورد خطاب قرار می‌دهند. میزان فراوان درو در هر بار حرکت داس، سرعت در انجام درو، پاکی و ظرافت در انجام درو، جلوگیری از ریختن دانه‌های محصول و غیره از جمله موضوعاتی است که دروگر به خاطر آن‌ها تحسین می‌شود. خلاصه سخن این که ستایش قدرت و دقت و سرعت دروگران، مهم‌ترین مضامینی است که در اشعار مربوط به درو دیده می‌شود.

### ۳-۱-۵. کوبیدن خرمن (= هوله hola)

یکی دیگر از کارهای دشوار و پرزحمت کشاورزان، کوبیدن خرمن است. به همین خاطر پس از جمع آوری و خرمن کردن محصول درو شده، با کمک از چارپایان، خرمن را می‌کوبیدند تا دانه را از کاه جدا کنند. به این منظور، چند چارپا اعم از اسب، قاطر، گاو یا الاغ را به هم می‌بستند و به صورت مدور ساعت‌ها آن را بر روی خرمن حرکت می‌دادند. به این شیوه، ساقه‌های محصول درو شده در زیر سم چارپایان خرد می‌شد و می‌توانستند دانه‌ها را از کاه جدا کنند. از آنجا که این کار هم پرزحمت و زمان‌بر بود، در طول مدت کوبیدن خرمن، اشعاری زمزمه می‌کردند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

آماده بو تا گُرجِ کیمِنُ رولَ      خِرَلِ جمعِ بَکیمِ بَچیمِ هولَ

برگردان: ای فرزند، آماده شو تا کم کم برویم خرها را آماده کنیم و برویم هول کنیم.

ژن عزیزم شَنَلْ هانَ کو      زوی پیاؤکَ پِچِمَ خَرْمُکو

Zan azizem šenal hana ko // zoi piavoka bečima xarmoko

برگردان: زن عزیزم، وسایل خرمن کوبی کجا هستند؟ آن‌ها را آماده کن تا برویم خرمن کوبی.

یکی از وظایف مهم خرمن کوبیدن به عهده کسی است که چارپایان را بر روی خرمن به حرکت در می‌آورد. این شخص باید توانایی خاصی داشته باشد؛ به طوری که ضمن حرکت چارپایان بر روی همه بخش‌های خرمن، باید از خوردن خرمن به وسیله چارپایان نیز جلوگیری کند. این شخص هم پیوسته اشعاری را زمزمه می‌کند؛ مثال:

دوره هـو هـولـه هـو      زیلت نچو هولـه هـو

dura hu hula hu // zilat naču hula hu

برگردان: بچرخید و بر سر خرمن راه بروید و خرمن را بکوبید و از این خرمن نترسید؛ چراکه به زودی آن را می‌کوبیم.

هـه دوره هـو هـه دوره هـو      هولـه کتـی بچـره آووه

hei dwra he dwra hu // hula kati bečerua

برگردان: دور بزنند و دور بزنید، خرمن را بکوبید و پس از آن بروید آب بخورید.

هـه دوره هـه دوره      هـه دوره دوره دوره

hei dwra dwra dwra // hei dwra hei dwra

برگردان: وقت آن است که بچرخید و بچرخید، هی بچرخید و بچرخید و بچرخید.

هـه دوره هـه دوره      بیـنم دونـش چطـوره

binem doneš četwra // hei dwra hei dwra

برگردان: اکنون زمان چرخیدن است، بچرخید تا من نگاهی بیندازم ببینم دانه محصولمان چه طور است.

hirdeš ko ke zora // hei dwra hei dwra

برگردان: بچرخید و بچرخید، بیشتر آن را خُرد کنید که هنوز درشت است و کاملاً کوبیده نشده است.

جـون منی کـره کـال                      هـیـردش کـور و و مـال

jone meni kera kāl // hirdeš ko ro ve māl

برگردان: ای گاو سرفسید، تو جان منی، خرمن را بکوب تا به خانه بروی.

بـالا بـال بـالا بـال بـالا بـال                      هـیـردش کـور و و مـال

bālā bālā bālā bālā bāl // hirdeš ko ro ve māl

برگردان: بالاتر، بالاتر، بالاتر را بکوبید و پس از کوبیدن خرمن به خانه بروید .

هوله (کوبیدن خرمن) یکی از کارهایی است که از گذشته‌های دور، با همکاری بین انسان و حیوان انجام شده است. کشاورزان با استفاده از قدرت چارپایان و با یاری آن‌ها کار طاقت‌فرسای کوبیدن خرمن را انجام داده‌اند. از آنجا که کار تکراری و دشوار کوبیدن خرمن، موجب خستگی کشاورزان و چارپایان می‌شد، با بیان اشعاری موزون و هماهنگ سعی در آسان کردن آن داشتند. یکی از مواردی که بین انسان و چارپایان رابطه‌ای احساسی و عاطفی ایجاد کرده است، در انجام کار کوبیدن خرمن است. کشاورز با درک خستگی چارپایان، ضمن تشکر از آن‌ها، به توصیف توانایی و قدرت و زیبایی‌اشان می‌پردازد. کشاورز با استفاده از این اشعار، به چارپایان خود وعده می‌دهد که پس از کوبیدن خرمن، به آن‌ها آب خواهد داد و آن‌ها را برای استراحت به خانه خواهد برد؛ از این رو گویی با زبانی خاص، به آن‌ها گوشزد می‌کند که اگر می‌خواهید استراحت کنید، اگر می‌خواهید آبی گوارا بنوشید، در انجام کار کوتاهی نکنید و به سرعت آن را انجام دهید. علاوه بر آنچه ذکر شد، کشاورز گاه در بین اشعار، چنان با چارپایان سخن می‌گوید و نسبت به کیفیت انجام کار به آن‌ها تذکر می‌دهد که گویی کلام او را به طور کامل درمی‌یابند. این گونه سخن گفتن با چارپا در کنار توصیفات پرشمار آن‌ها در این اشعار، مبین رابطه‌ای است که بین کشاورز و چارپایانش وجود دارد.

## ۲-۵. اشعار مربوط به دامداری

### ۱-۲-۵. اشعار شیر دوشی

از آنجا که بخش مهمی از زندگی این مردم، با کمک دام‌هایشان تأمین می‌شده است، دام و دامپروری در اشعار کار لرستان جایگاهی ویژه دارد. بخشی از این اشعار، در هنگام دوشیدن شیر زمزمه می‌شود. این اشعار مضامین مختلفی دارند؛ اما آنچه که تقریباً در همه این اشعار به صورت مکرر حضور دارد، تشکر

از خداوند به خاطر این نعمت‌ها، بدگویی از حسود و کسی که چشم بد دارد، تعریف و تمجید از چارپایی که در حال دوشیدن شیر آن هستند و همچنین درخواست برای افزایش شیر است. از آنجا که چارپایان، وسیله و یاری‌کننده در امرار معاش بوده‌اند و بدون حضور آن‌ها زندگی برای مردم ممکن نبوده است، رابطه‌ای احساسی و عاطفی بین صاحبان و چارپایان ایجاد می‌شد که اغلب در این اشعار نمود دارد. نکته دیگری که در این اشعار باید متذکر شد، مضامینی است که در این اشعار برای رام و مطیع کردن چارپای شیرده وجود دارد. در این بخش به برخی از این اشعار اشاره می‌شود.

نوم خدا نیر علی                      چشم حسید پوقه بلی

nome xodâ nire ali //čaše hasid puqe bali

برگردان: [با] نام خدا [و] نور و نصرت علی(ع)، امید است که چشمان حسود بترکد همان طور که بلوط در میان آتش می‌ترکد.

نوم علی نیر آورده                      جونکی دِلِم شیر آورده

nome ali nir âorda // jonkei delem šir âorda

برگردان: با بر زبان آوردن نام علی(ع) نور و نصرت و یاری فرا رسیده است و این جان و دلم (دامی که در حال دوشیدن آن است) شیرش زیاد شده است.

از آنجا که مردم لرستان، مسلمان و شیعه هستند، در انجام همه امور زندگی و به‌ویژه امور مهم و تعیین‌کننده در زندگی همواره از ائمه معصومین و حضرت علی(ع) یاری می‌طلبند. اینان نام و یاد امام علی(ع) را عامل برکت و ازدیاد نعمت می‌دانند؛ به همین خاطر «نام علی»، «نور علی» از ترکیب‌هایی است که در این گونه اشعار حضوری پررنگ دارد. نکته دیگری که در اشعار مربوط به شیردوشی تکرار می‌شود، دوری و کوری چشم حسود است. از آنجا که مردم در جوامع سنتی و کشاورزی و عشایری به چشم بد بسیار معتقد هستند، همواره در دوشیدن شیر، دعا می‌کنند چشمان حسود کور شود؛ در بیان این موضوع نیز از تجربه‌های محلی خود استفاده می‌کنند؛ با توجه به این که بخشی از خوراک این مردم بلوط بود، و در هنگام پختن بلوط‌ها، گاه برخی از آن‌ها می‌ترکیدند و صدای انفجاری از آن‌ها به گوش می‌رسید، در بیان کور شدن چشم حسود از این تجربه شخصی استفاده می‌کنند و از خداوند می‌خواهند چشمان حسود بترکد همان گونه که بلوط در آتش می‌ترکد و منفجر می‌شود.

## ۲-۲-۵. اشعار مشک‌زنی

یکی دیگر از کارهایی که پیش‌تر در جامعهٔ عشایری مردم لرستان رواج داشته‌است و امروزه نیز به صورت محدود رواج دارد، مشک‌زنی است. این کار در ردیف کارهای زنانه قرار می‌گیرد. زنان، ماست تهیه شده از شیر چارپایان را در مشک‌ی که با استفاده از پوست گاو، گوسفند و یا بز درست شده‌است می‌ریزند و با تکان دادن آن در مدت زمان طولانی، به اصطلاح مشک را می‌زنند و دوغ و کرهٔ آن را از هم جدا می‌کنند. بسته به حجم مشک، یک یا دو نفر آن را می‌زنند. افرادی که مشک را می‌زنند، هم‌زمان و هماهنگ با ضرب‌آهنگ مشک، اشعاری را می‌خوانند. این اشعار نیز در زمرهٔ اشعار کاری یا «کارآوا» قرار می‌گیرد. زمانی که مشک با کمک دو نفر زده می‌شود، این اشعار، آهنگین‌تر و دل‌انگیزتر است؛ به‌گونه‌ای که یک‌نفر که سمت درِ مشک را گرفته و نفر اصلی در مشک‌زنی است، مصرعی را با آواز می‌خواند و نفر دیگر که نقش کمک‌کننده و نفر دوم مشک‌زنی است، پاسخ می‌دهد. این اشعار و آواها، به همراه ضرب‌آهنگ‌های ناشی از جابجایی محتویات مشک، آهنگ‌های زیبایی را می‌آفریند.

کارکرد کارآواهای مشک‌زنی، همان است که در مورد همهٔ کارآواها گفته‌شد؛ اما آنچه در این نوع، جنبه‌ای قوی‌تر از دیگر کارکردها دارد، ایجاد هماهنگی بین افرادی است که در زدن مشک همکاری می‌کنند. در بین جامعهٔ عشایری لرستان، این باور وجود دارد که باید ناز مشک را کشید و آن را به دادن کرهٔ بیشتر تحریض کرد؛ به همین خاطر، خواندن این اشعار نمودی از عزیزداشتن مشک و درخواست از آن برای دادن کرهٔ زیاد است.

هی مشک‌هی های هر گری پتی      آو ا کو باریم ا لا قیمتی

hei maška hei hai har kari pati // ao e ko bārem e lā qimati

برگردان: هی های، ای مشک پر از کره باش، آب از کجا بیاوریم از خانهٔ قیمتی (نامی زنانه است).

عزیز بو بژن دسِت بر دیری      ماس نیمروت توژو سَر دیری

aziz bo be ʒandaset bar diri // māse nimarot toʒ va sar diri

برگردان: ای دوست عزیز بیا چون دست تو برکت دارد مشک بزن، ماست نیمروزت که آماده شود سرشیر زیادی دارد.

هیلا مَشگه، مَشگه سورگه‌هر هووه مه‌کی      گری وَر پشت، گُل کُووه مه‌کی

heilā maška, maška soraka har hoa make // kari vare pešt kol kova make

برگردان: ای مشک، ای مشک‌کی که رنگی سرخ و زیبا داری و به هنگام تکان خوردنت، آوایی دلنشین و دلکش از خود سر می‌دهی و گره‌ای را که در درون تو تهیه شده‌است به هنگام تکان خوردنت زیر و رو کرده و در آخر همه را به شکلی مرتب و قشنگ جمع می‌کنی و به صاحب تحویل می‌دهی. این بیت، در حقیقت از جمله ابیاتی است که عشایر معتقدند خواندن آن موجب می‌شود مشک، کره و دوغی فراوان به صاحب خود تحویل دهد و به نوعی موجب برکت آن می‌شود.

مشکه سوره کم هر هوه مه کی      نظره خدا خیر کوه مه کی  
maška sorakam har hoa make // nazare xoda xir koa make

برگردان: مشک سرخ‌زنگ من (رنگ سرخ برای مشک نشانه زیبایی و خوبی مشک است) پیوسته صدای دلنشینی سر می‌دهد و با عنایت خداوند، خیر و برکت فراوانی برایم جمع می‌کند. (غرض فراوانی محصول و به‌ویژه کره است.)

مشکه سورگم سور در وشا      خیرای مال ل ای ایره رشا  
maška sorakam sore darvešā // xere ey mālal ey era rešā

برگردان: مشک سرخم، آن مشک‌کی که دری گشاد دارد (برای بیرون آوردن کره فراوان) خیر و برکت، همه این خانه‌های اطراف را یکجا در همین جا برای من ریخت.

مشکه کم ژه نیا، کول کره پتی      له کوره بارم کینی قیمتی  
maška kem žanya, kol kera pati // la kora bārem kiani qimati

برگردان: مشکم زده شد و همه ماست آن تبدیل به کره شده‌است؛ اکنون مشک قیمتی (نام زنانه) برای جای دادن کره را از کجا بیاورم؟ (به بیانی می‌گوید مشکم آن قدر کره به من داده‌است که جایی برای آن ندارم.)

هی های مشکه هی های مشکه      باریکم نگه چی تالی دَشگه  
hei hāei maška hei hāei maška // bārikem nako či tāli daška

برگردان: هان ای مشک (زودتر زده شو) و مرا مانند نخ‌ی لاغر و نحیف مکن.

از آنجا که مشک‌زنی کاری دشوار و زمان‌بر است، زنان مشک‌زن، با خواندن این بیت و ابیاتی با این مضمون، به زعم خود، مشک را تحریک می‌کنند که زودتر زده شود. (دوغ و کره آن از هم جدا شود.)



مشکه کم ژنیا کُل کری گن گن      او ای کو بارم سیمره بی بن  
maška kem žanya kol kari gen gen // ao ey ko barem semera be ben

برگردان: مشکم زده شد و پر از گلوله‌های بزرگ کره است. حالا آب از کجا بیاورم؟ آب را از سیمره  
(نام رودی است در لرستان) می‌آورم که رودی پرآب و طولانی است.

ای مَشکَه مشکه ای روکَه مشکه      یَه مَیت روینو شَش منت کَشکَه  
ey maška Maška ey rola maška // ye manet reyno šaš manet kaška

برگردان: هان ای مشک، ای فرزندم مشک (آن قدر مشک نزد عشایر عزیز است که آن را فرزند خود  
خطاب می‌کنند)، یک من (معادل سه کیلو) از محتویات روغن است و شش من دیگر آن کشک  
است.

هی های مشکه هی های مشکه      تو دم خوش که تو دم خوش که  
hei hāei maška hei hāei maška // tom damem xoaš ka tom damem xoaš ka

برگردان: هان ای مشک، مزه دهانم را شیرین کن. (غرض این است که ای مشک با دادن کره فراوان  
حال من را خوش کن.)

مشک‌زنی همواره یکی از کارهای زمان‌بر بوده است. زنان عشایر در هنگام مشک‌زنی، اشعاری را  
مزمزه می‌کنند که ضمن مشغول کردن خود، با ضرب آهنگ جابه‌جا شدن ماست در مشک، کار دشوار  
و طولانی خود را با لذت و رغبت به پایان می‌رسانند. در این اشعار ضمن بیان برخی بدیهیات در  
مشک‌زنی، همانند فراهم آوردن آب و ریختن آن در مشک و تکان دادن آن و غیره، مضامین غالب،  
تحسین مشک و بیان مفاهیم احترام‌آمیز نسبت به آن، سپاس و ستایش خداوند، یاری جستن از  
خداوند و ائمه معصومین برای افزایش کره است.

از آنجا که روغن، جایگاه ویژه‌ای در زندگی عشایر داشته و همواره از آن به عنوان یک محصول  
ضروری و راهبردی یاد شده است، امیدواری به جمع‌آوری روغن که محصول نهایی کار مشک‌زنی  
است، از نکاتی است که در این نوع شعر دیده می‌شود. گفتنی است که در اشعار مربوط به مشک‌زنی،  
رابطه‌ای عاطفی و احساسی بین مشک‌زن و مشک دیده می‌شود؛ تا جایی که آن را فرزند خود، جان  
خود و عزیز خود خطاب می‌کند. نکته دیگری که ضروری است در این جا به آن اشاره شود این است  
که حضور عناصر طبیعی و محیطی در این اشعار هم نمود جالبی دارد.

خلاصه سخن در مورد مضامین این نوع شعر از اشعار کار، این که تمثای محصول (کره) بیشتر، سپاس و ستایش خداوند، یاری جستن از خداوند و بزرگان دین و در نهایت، خواهش از مشک برای زده شدن، از جمله مهم‌ترین مضامین اشعار مربوط به مشک‌زنی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

با بررسی جنبه‌های گوناگون زندگی جوامع مختلف، می‌توان به زمینه‌های پنهان زندگی آنان پی‌برد. مردم لرستان، از جمله قومیت‌های ایرانی هستند که زندگی را با کار و تلاش پیش برده‌اند. اینان نیز همانند دیگر اقوام ایرانی، به منظور آسان کردن کارهای دشوار، لذت‌بردن، هماهنگی بین خود و دلایل دیگر، اشعاری را در هنگام کار زمزمه می‌کنند. آن‌ها تقریباً برای همه کارهایی که انجام می‌دهند اشعاری دارند که در هنگام کار به تنهایی یا همراه و هماهنگ با هم می‌خوانند. این مردم به دلیل موقعیت خاص محل زندگی، بیش از هر شغل دیگری به کشاورزی و دامپروری پرداخته‌اند؛ بر اساس همین، اشعار کار مربوط به این دو شغل در بین مردم لرستان کاربرد بیشتری دارد. در این مقاله، ضمن بررسی ویژگی‌های این اشعار و همچنین معرفی نمونه‌هایی از آن‌ها، این نتیجه حاصل شد که ساختار و کارکرد این اشعار همچون دیگر اشعار بومی و سروده‌های محلی است؛ سراینده مشخصی ندارند، مضامین آن‌ها بیشتر در برگرفته سپاس و ستایش خداوند، تحریک و تحریض به سرعت و دقت در انجام کار، درخواست مدد از ائمه و بزرگان دین در انجام کار، توصیف زیبایی‌های کار یا دام، دوری از چشم بد و غیره است.

## منابع

- ۱- اسماعیلی، حبیب‌الله. (۱۳۹۱). «حافظه تاریخی ایرانیان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۵ (۱۷۵)، ۲-۵.
- ۲- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (۱۳۷۰). قوم لر، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳- امرایی، آرش و بازوند، علی. (۱۳۹۹). «نگاهی به بومی سروده‌های لرستان»، ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۰ (۳)، ۷۱-۵۱.
- ۴- بهرامی، تکتیم و شفیع‌یون، سعید و جعفری، محمد. (۱۴۰۰). «وزن اشعار کار (مطالعه موردی وزن شعر کار در دو حوزه قالی‌بافی و مشک‌زنی)»، فرهنگ و ادبیات عامه، ۹ (۳۸)، ۳۸۷-۳۴۷.

نگاهی به اشعار کار کشاورزی و دامداری لرستان (ص ۲۱-۳۹)-----آرش امرایی و همکار ۳۹

۵- پشت‌دار، علی محمد. (۱۳۷۶). «لرها و لرستان از دیدگاه مینورسکی»، ایران‌شناخت، ۳(۴)، ۱۶۰-۱۸۳.

۶- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۹). «ترانه‌های کار، کارآواهای از یادرفته کارورزان و استادکاران»، علوم اجتماعی، ۷(۱۱)، ۱۱۱-۱۴۴.

۷- کمال‌الدینی، سیدمحمدباقر و جاویدان خرد، محمد. (۱۳۹۴). «اشعار کار در کهگیلویه و بویراحمد»، فرهنگ و ادبیات عامه، ۳(۵)، ۲۹-۴۹.

۸- نظری مقدم، جواد. (۱۴۰۰). «ویژگی‌های آواها و ترانه‌های کار کاسبان محلی در بازارهای سنتی رشت»، فرهنگ و ادبیات عامه، ۹(۷)، ۳۲-۲۹۷.

۹- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۵۷). بررسی وزن شعر عامیانه فارسی، تهران: آگاه.